

18 آگست 2019

داکتر سید عبدالله کاظم

تجلیل از سالگرد استقلال ارجگذاری به یک رویداد بزرگ تاریخی کشور است!



در حالیکه جنب و جوش خاص در این روزها به مناسبت تجلیل از صدمین سالگرد استرداد استقلال کشور در بین مردم و بخصوص جوانان براه افتاده است، عده ای آنرا بی لزوم میدانند و میگویند: «متأسفانه امروز هیچ چیز متعلق به ما نیست، نه امنیت، نه سیاست، نه اقتصاد، نه جنگ، نه صلح و نه هیچ چیزی دیگر متعلق به ماست پس از چه تجلیل می‌کنید؟ استقلال یعنی بی نیاز بودن ما از همه چیز، آیا ما بی‌نیاز هستیم و مردم می‌توانند آزادانه زندگی کنند؟ نه ما نمی‌توانیم!» (ولی مسعود کاندید ریاست جمهوری)؛ یکی دیگر از این کاندیدها برگزاری جشن استقلال را کار نادرست پنداشته و می‌گوید: «ما حتی نان خوردن خود را از دیگران بدست می‌آوریم اما جشن برگزار می‌کنیم، در شرایطی که همه چیز ما در هم و برهم است پایکوبی، رقص، ساز و آواز یعنی چه بخاطر خدا بر این مردم ترحم به کار است». یکی از قلمبدهستان تحت عنوان "صدمین سالگره استقلال در غیاب استقلال" می‌نویسد که: «بعد از تجاوز شوروی و نیز بعد از 9/11 و تهاجم امریکا کشور ما دیگر استقلال ندارد، جشن سالگرد استقلال از یوغ استعمار انگریز چه معنای دارد، خواه صدمین باشد یا کمتر از آن.»

همچو ابراز نظرها تاحدی قابل توجیه است و اینکه در چهار دهه اخیر استقلال کشور زیر سؤال رفته است، متأسفانه یک حقیقت تلخ میباشد که نمیتوان از آن انکار کرد. اما در عین زمان ما باید از خود گلایه کنیم که نتوانستیم میراث بزرگ پدران خود را حفظ نمائیم، نه آنکه بخاطر غفلت خود، آنچه را آنها با شرایط بسیار دشوار و به قیمت جان خود بدست آوردند و به نسل های بعدی سپردند، از حق آنها چشم پوشیم و از جانبازی های آنها یاد نکنیم. تجلیل از این روز یک درس مهم برای نسل جوان افغان است تا در حفظ استقلال بکوشند و بدانند که با اتحاد و تلاش میتوانند افتخارات

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې دلیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

پدران خود را بار دیگر زنده سازند و این رسالت بزرگ را برعهده گیرند و نیز بدانند که در چهل سال اخیر چه عواملی موجب شد تا عنان کشور از دست مردم آن بیرون شود.

تجلیل از استقلال کشور بخصوص صدمین سال آن که سرآغاز مبارزات دیگر کشورهای تحت استعمار در قرن بیست در جهان محسوب میشود، یک افتخار بزرگ برای مردم افغانستان محسوب میشود که نباید به دلیل اوضاع نا به سامان جاری در فراموشخانه تاریخ سپرده شود. با تجلیل از این رویداد میتوان روح تازه مبارزه را در بین جوانان کشور زنده ساخت و آنها را با رسالت بزرگ شان در حال و آینده آشنا کرد. تجلیل از سالگرد استقلال کشور یک درس بزرگ است برای نسل های بعدی تا از راه و روش اجداد خود بیاموزند و نفرین بفرستند به کسانی که در ازای خدمت به بیگانه وطن را چنان خوار و ذلیل ساختند و این میراث بزرگ را زیر سؤال بردند.

شایان یادآوریست که در عصر فرخنده امانی نه تنها استقلال سیاسی کشور حاصل شد، بلکه حصول استقلال با خود یک عملیه گذار را از یک مرحله به یک مرحله دیگر تاریخ به همراه داشت؛ به این معنی که پی آمدهای استقلال تنها منحصر به استقلال در روابط خارجی باقی نماند، بلکه تحولات عمیق دیگر را نیز در پی داشت، چنانکه اصلاحات عصرامانی را میتوان بطورکل به سه دوره تقسیم کرد: دوره اول از 1919 تا 1923، دوره دوم 1925 تا اواخر 1927 که البته اغتشاش خوست (1923-1924) مرحله اول و دوم را از هم جدا کرد و دوره سوم بعد از عودت از سفر اروپا (جون 1928) تاختم دوره سطننت (جنوری 1929).

بیک جمله میتوان گفت که بسا از این تحولات عمیق آغاز یک مرحله نوین در تاریخ کشور محسوب میشود: طی دوره اول (1919 تا 1924) بعداز حصول استقلال، شاه کوشید تا برخرابه های نظام کهنه قبایلی شالوده یک دولت عصری را بر مبنای قانون و نظم به وجود آورد؛ اصلاحات اداری در داخل ارگان های حکومتی، انفاذ قانون اساسی و احترام به آزادیهای فردی، وضع قوانین و نظامنامه ها در ساحت مختلف (بیش از 70 نظامنامه)، رجوع به نظر مردم و فراخواندن لویه جرگه به حیث یک مرجع عالی تقنینی، اصلاحات امور مالی، توجه به امور معارف و برای اولین بار افتتاح مکاتب نسوان و تساوی حقوق زن و مرد، از بین بردن امتیازات و معاشات مستمری بعضی خانواده ها و القاب شان همه از جمله تحولات عمیق و بسیار مهم بودند.

مسلم است که بسیاری از این تحولات به منافع کلی طبقات صاحب امتیاز از جمله خوانین، زمین دارها، خانواده های اشرافی و به خصوص یک عده روحانیون متعصب صدمه رسانید و به تحریک انگلیس ها که به مثل پلنگ زخمی از استقلال خواهی شاه امان الله و اثرات آن در سرزمین هند در صدد انتقام از او بودند، نخست از طریق اشخاصی مثل "ملای لنگ" قیام خوست را براه انداختند و آنرا به یک جنگ تمام عیار در مقابل دولت تبدیل کردند تا بدانوسیله افغانستان را از مسیر تحول مزید باز دارند و بار دیگر آتش جنگ داخلی را در کشور شعله ور سازند.

اما این رویدادهای انتقام جویانه با وجود ضربت شدید، نتوانست شاه امان الله را از راهی که در پیش گرفته بود، منصرف سازد. او از همچو تهدید ها نترسید و به برنامه های خود ادامه داد. مسلم است که همه این اقدامات بزرگ محصول همان اقدام اولی یعنی کسب استقلال کشور بود که تا امروز با وجود گذشت صد سال هنوز هم ما نتوانستیم از خم و پیچ بسیار از آنها به خوبی بگذریم.

نکته قابل ذکر اینست که اکثر محققان و مؤرخان خارجی و داخلی به رویداد های سیاسی آن دوره توجه بیشتر مبذول کرده اند و از اصلاحات و تحولات به جز چند موضوع که بیشتر با برگشت شاه

از اروپا ربط میگیرند، متمرکز شده و آنهم جهت توجیه دلیل سقوط سلطنت امانی به آن نوآوریها، در حالیکه از تحولات عمیق اداری، اقتصادی، قانونی، اجتماعی و تعلیم و تربیه و اهمیت بارز آنها چه در آنوقت و چه به دنباله آن در رژیم های بعدی محققان کمتر بحث کرده اند. اکنون لازم است تا محققان تاریخ با عطف توجه به تحولات اساسی به موشگافی بیشتر در زمینه پیردازند و ثابت سازند که سقوط دوره پربار امانی نتیجه یک توطئه دوامدار انگلیسها بود که بوسیله بعضی از حامیان ملای لنگ در ارتباط با تحولات آنوقت به راه انداخته شد و به بعضی از آن تحولات شیوه غیردینی و مذهبی دادند و مردم را علیه نظام به دستور بیگانه تحریک و زمینه ساز سقوط سلطنت امانی شدند. متأسفانه بقایای پیروان ملای لنگ همین حالا بازم در راه تحول سالم کشور درحال سنگ اندازی میباشند تا چرخ تاریخ را بار دیگر به عقب بکشانند.

تحولات عمده عصر امانی را میتوان در ساحات ذیل چنین خلاصه ساخت:

1 – درساحه سیاسی واداری:

- تأسیس شورای دولت به حیث مرجع تسوید قوانین؛
- تشکل کابینه به شکل جدید و تدویر منظم مجلس وزراء؛
- تأسیس مجالس مشوره در ولایات؛
- تجدید نظر کامل بر تشکیلات اساسی افغانستان (متشکل از پنج نایب الحکومگی و چهار حکومت اعلی)؛
- تدویر لویه جرگه به حیث مرجع عالی تصمیم گیری ملی در کشور (1301 در جلال اباد، 1303 در کابل پغمان و 1307 در پغمان که ماهیت این لویه جرگه هاز لویه جرگه های تاریخی فرق دارد)؛
- تصویب اولین قانون اساسی زیر عنوان "اصول اساسی دولت عالی افغانستان"؛
- تقویه پولیس شهری (پولیس بایسکل سوار)؛
- برقراری روابط سیاسی با کشورهای خارجی، تبادل سفر و گشودن سفارتخانه ها؛
- لغو سیستم "هشت نفری" در مکلفیت عسکری و عام ساختن خدمت زیر بیرق برای همه جوانان؛
- تثبیت بیرق ملی (سیاه، سرخ، سبز، بانسان مخصوص آن)؛
- توزیع تذکره نفوس برای اتباع افغانستان.

2 – درساحه اجتماعی و فرهنگی:

- اعلام آزادی کنیز و غلام؛
- قطع معاشات مستعمری اعضای خانواده شاهی، درباریان و سران قبایل؛
- الغای القاب رسمی و امتیازات مربوطه که قبلاً مروج بود؛
- قطع کمک های پولی برای ملاءها و الغای (پیری مریدی) برای منسوبین عسکری؛
- تغیر در مسائل نکاح، عروسی، ختنه سوری، و همچنان فاتحه و مراسم عزاداری؛
- تغیر در طرز لباس از تولیدات داخلی و از همه مهمتر ترویج لباس با حفظ حجاب برای زنان.

3 – درساحه اطلاعات عامه:

- تنظیم امور مطبوعات و تشکیل ریاست مستقل مطبوعات؛
- بکار انداختن دستکاه رادیو (برای عموم مردم) در کابل؛
- سینما برای عموم مردم؛
- نشر جراید آزاد غیر دولتی (انیس 15 ثور 1306)؛
- نشر اولین جریده برای زنان (ارشادالنسوان)؛

4 – درساحه اقتصادی:

د پانو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزی ښی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکې په څیر و لولئ

--- وضع قوانین مالیاتی و تعدیل مالیه از جنس به نقد؛
--- ترتیب بودجه دولت بطور عصری برای اولین بار؛
--- تعیین واحد پولی "افغانی" بجای روپیه کابلی؛
--- نشر پول کاغذی (برای اولین بار و استفاده آن در پروژه ساختمان قصر دارالامان)؛
--- فروش زمین های دولتی به مردم و توسعه ملکیت خصوصی؛
--- تشویق تشبثات خصوصی در سکتور صنعت.
--- توسعه تجارت خارجی (از 1920 تا 1925 صادرات کشور از 50 ملیون فرانک به یک بلیون فرانک رسید).

5 – در ساحه تعلیم و تربیه:

--- تأسیس و توسعه مکاتب عالی و تدریس زبانهای خارجی و علوم جدید، از جمله تأسیس مکتب امانی و مکتب امانیه در کابل و انکشاف مکتب حبیبیه؛
--- ایجاد انجمن معارف و تعلیم و تربیه اجباری و مجانی و انکشاف مکاتب ابتدائی در بسا نقاط کشور؛
--- تأسیس اولین مکتب نسوان بنام "مکتب مستورات"؛
--- تأسیس مکاتب مسلکی اصول دفتر، اصول تحریر، زراعت، صنایع، قضات، حکام، مساحت، دارالعلوم و دارالحفاظ؛

--- طبع کتب درسی (نخست در لاهور بعدا در کابل)؛
--- تدویر کورسهای سواد آموزی برای کلانسالان؛
--- تأسیس انجمن "پشتو مرکه" برای تقویه زبان پشتو؛
--- توسعه پروگرامهای ورزشی برای شاگردان معارف؛
--- اعزام بیش از یکصد متعلم افغان به اروپا جهت تحصیل (برای اولین بار)؛
--- اعزام 16 دختر افغان در ترکیه برای تحصیل قابلیتگی (برای اولین بار).

6 – در ساحه ساختمان و خدمات:

--- بنای شهر جدید کابل در ساحه غرب کابل مسمی به (دارالامان) و اعمار دو قصر در آنجا؛
--- تمديد یک خط ریل شهری از مسجدشاه دوشمشیره (رح) تا دارالامان؛
--- اعمار میدان هوائی کابل و استفاده از طیاره (در ساحه ملکی و نظامی)؛
--- توسعه شاهراه ها و سرکها در اطراف و اکناف کشور و توسعه ترانسپورت موتوری؛
--- تأسیس شفاخانه مستورات؛
--- انکشاف امور پست و مخابرات و تأسیس یک اداره مستقل برای آن.

این بود شمه از تحولات دوره ده ساله امانی.

روح این بزرگمرد تاریخ کشور اعلیحضرت شاه امان الله غازی شاد و یادش برای همیشه به حیث یک فرزند صدیق و نامدار افغان و بانی و پیشتاز تحول و ترقی در کشور گرامی و جاوان بادا!